



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

لیدن 6 فیروری 2009

اعلامیه

نظر کوتاه به کارکردهای سه ساله پارلمان افغانستان

درین روزها پارلمان افغانستان وارد چهارمین سال فعالیت خویش شد. بدین مناسبت خواستیم نظری به ارمغان سه سال گذشته پارلمان بیاندازیم و به صفحه انترنتی پارلمان (www.parliament.af) مراجعه کر دیم. متأسفانه چیزی زیادی بدست نیامد. نمیدانیم که مسوول صفحه انترنتی پارلمان نیز با پیروی از وکلا صرف ماه یکبار و آنهم در روزتوزیع معاشات به پارلمان می آید و یا اینکه چیز قابل ملاحظه برای نشرو وجود ندارد. صرف گزارش فعالیتهای سال اول را میتوان در صفحه انترنتی دریافت. بنابراین باید برای دستیابی به کارکرد پارلمان طی سه سال گذشته به سایر آرشیف ها مراجعه می کردیم. بر مبنای منابع موجود اولویتهای کاری پارلمان طی سه سال گذشته را میتوان به پنج دسته تقسیم نمود:

- تلاش اعضا پارلمان برای ازدیاد امتیازات شان،
- سفرها به خارج و پذیرش سفرا و هیأت های خارجی در مقر پارلمان،
- معضلات حاد داخلی پارلمان،
- زور آزمایی ولسی جرگه با حکومت،
- بحث و نظردهی بر تشکیلات و فعالیتهای حکومت و قوه قضایی،
- فعالیتهای تقنینی.

تسهیلات علمی تکنالوژیک فراهم آورده شده برای وکلا و پرداخت معاشات دالری و سایر امتیازات (البته با پول UNDP و USAID) حد اقل در سطح منطقه بینظیر است ولی برای بسیاری از وکلای ما کافی نمیباشد. ایکاش نمایندگان واقعی مردم به پارلمان راه می یافتند تا بعوض چنه زدن بالای امتیازات شان قدر تسهیلات موجود را میدانستند و از امکانات علمی-تخنیکی موجود (انترنت بیسیم در تمام تعمیر پارلمان، کتابخانه تقنینی دیجیتال در تعمیر پارلمان و در عین حال کلکسیون قوانین بصورت رایگان برای استفاده شخصی هر وکیل) در اجرای وظایف اصلی شان استفاده مینمودند. متأسفانه بسیاری از وکلای ما عضویت پارلمان را بحیث یک مصروفیت فرعی میبینند و هرگاه در جریان کارهای اساسی شان (تجارت قانونی و غیرقانونی، ساختن شهرکها در زمینهای دولتی که بصورت غیرقانونی تصاحب شده است، وساطت در معاملات فیما بین سران مافیا های گوناگون و حکومت در برابر حق الزحمه، واسطه شدن برای خانها و قوماندانهای محلی و یا سایر اشخاصی که حاضرند به وکیل در برابر این آبروریزی "تحفه" بدهند در مراجع حکومتی و قضایی و بالاخره واسطه شدن برای رهایی قاچاقبران موادمخدره و افراد محل امنیت



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

و خرابکار) روزی وقت یافتند، سری به پارلمان نیز میزنند. صرف درحالات استثنایی اکثریت اعضا حضور بهم میرسانند. مثالهای این حالات را میتوان در روزهای دید که بدست آوردن یک امتیازدسته جمعی اعضا (مثلاً تصویب منشور شرم آور عفو متهمین جنایات جنگی و نقض حقوق بشر، ازباید معاشات و سایر امتیازات اعضا پارلمان)، معضلات حاد داخلی پارلمان (اخراج ملالی جویا بنام "تعلیق" از پارلمان بخاطر اظهارات افشاگرانه اش و بحث اخیر مشرانو جرگه بالای غیرقانونی شدن ادامه کاریک ثلث اعضا مشرانو جرگه) و یا زمانی که زور آزمایی با حکومت (مثلاً رای گیری مجدد بالای سلب اعتماد از دادفر- سینتا).

در رابطه با رد و تایید اعضا کابینه و ستره محکمه نیز پارلمان ریکارد قابل توصیفی ندارد. کاندیدهای که بنحوی از انحا با جبهه "ملی" و سایر بخش های اشرافیت تنظیمی ارتباط داشته و قبلاً توسط این تنظیمها به رییس جمهور "سفارش" شده اند بدون چون و چرا تأیید شده اند. سایرین به اثر تهدید و یا تطمیع توسط حکومت یا پشتیبانان بین المللی اش بر پارلمان تحمیل شده اند. یگانه استثنای روشن این اصل ردمولوی شینواری بود که از طرف کرزی بحیث رییس ستره محکمه پیشنهاد شده بود. حتی درین مورد نیز اعتراض پارلمان بر کبرسن موصوف بود نه بر عدم شایستگی اش و به قهقرا کشانیدن سیستم قضایی افغانستان توسط وی در سالهای اول کرزی.

استیضاح از وزرا اصولاً یک حربه دموکراتیک است که پارلمان میتواند بوسیله آن قوه اجراییه را از انحراف از قوانین و یا نقض منافع ملی بازدارد. پارلمان افغانستان قرار معلوم ازین حربه اکثرأ برای تصفیه حسابهای سیاسی با دگرانديشان و یا زور آزمایی با حکومت سوء استفاده میکند. در مواردیکه استیضاح و استجواب ضروریست پارلمان یا خاموش است یا به نمایشات تبلیغاتی اکتفا میکند. اسماعیل خان وزیر آب و برق سالها مردم را در تاریکی نگهداشت و هیچ گام اساسی در راه احداث پروژه های بزرگ تولید برق یا استفاده از آب سرشار دریا های افغانستان نگذاشت. در شرایطی که دست به تگدی ما برای اخذ گندم به همه جهان دراز است و بیست میلیون افغان تحت خط فقر زندگی میکنند، چرا وزارت آب و برق نخستین گامهای عملی را برای استفاده از آبهای آمو و هلمند در خدمت احیا و توسعه زراعت افغانستان گذاشته است؟ چرا از منابع طبیعی در کشور خود استفاده نمیکنیم و میگذاریم که همسایه گان بشکل انحصاری ازین منابع استفاده نمایند؟ چرا در شرایطیکه چندین ولسوالی ولایت بلخ را خطر تحت آب شدن تهدید میکند و آب دریای آمو چندین کیلومتر در عرض خاک افغانستان داخل شده است. وزراتهای آب و برق و سرحدات و پارلمان هیچیک به این موضوع علاقمندی نشان نمیدهند. و عدم توجه به آمودریا باعث ایجاد مناطق متنازع فیه بین افغانستان و تاجکستان شده است. اخیراً یک هیأت حکومتی بخش هایی از خاک متنازع فیه را به تاجکستان واگذار شد. آیا این وظیفه پارلمان نیست که درین رابطه تصمیم حکومت را که فسادش شهرت جهانی دارد مورد بررسی قرار دهد؟

در داخل پارلمان کمسیون بنام نظارت از تطبیق قانون نیز وجود دارد. اثری از فعالیت این کمسیون در گزارشات مطبوعات بنظر نمیخورد. جای تعجب هم نیست زیرا زمانی که پارلمان قانون نسازد از تطبیق چه نظارت کند؟ قانون رسانه ها که یکی از ساخته های این پارلمان است توسط آقای خرم وزیر اطلاعات به حبس درالماری دفترش محکوم شده است. خرم حین استیضاح درین رابطه پارلمان را متهم نمود که قانون را تحت فشار خارجیها تصویب کرده



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

است. نمیدانیم منظور آقای خرم کدام خارجیهاست؟ همان خارجیهای که امنیت و تمویل حکومتش را بدوش دارند یا همسایگان مداخله گرایانی، پاکستانی و روسی که درکشور ماتخم نفاق میکارند و گلبدینها، دوستمها، د و ملا عمرها را در آغوش گرفته و نوازش میدهند؟ این بار که پارلمان با یک وزیر تنظیمی مواجه بود ویرا سلب اعتماد نکرد بلکه خود به تعدیل قانون کردن نهاد.

به تقنین که نخستین و اساسی ترین وظیفه پارلمان است کمترین توجه صورت گرفته است. به استثنای یکعده قوانین متعلق به عرصه تجارت، سرمایه گذاری، وضع محابس و آزادی بیان که تدوین و تصویب آنها تحت فشار بین المللی صورت گرفته است، گام قابل ملاحظه دیگری در عرصه قانونگذاری نهاد نشده است. این درحالیست که قوانین جزا و مدنی افغانستان و قوانین تطبیقی این قوانین (قوانین اجراء جزایی و مدنی) نیازمند بازنگری و اصلاحات در پرتو کنوانسیونهای بین المللی که افغانستان عضویت آنها را دارد، میباشد. طی سالهای اخیر حقوق اطفال افغانستان بطور روز افزون پامال گردیده ایشان به کارهای شاقه، تگدی و فحشا مجبور ساخته میشوند و تجاوزات جنسی به اطفال بخصوص در شمال افغانستان به یک مشکل حاد مبدل شده است. اگر افغانستان یک پارلمان و وظیفه شناس میداشت حتماً با استفاده از حق ابتکاری خویش به تقنین درین زمینه میپرداخت. حق ابتکار به پارلمان این اجازه را میدهد که خود در مشوره با حکومت به تدوین مسوده قانون بپردازد. ازین امکان صرف برای تدوین قانونی استفاده شد که هدف آن احیا " اداره امر بالمعروف" بود. خوشبختانه یوناما توانست از تصویب این طرح که حکومت هم با آن تفاهم داشت جلوگیری کند. وقتی بدانیم که در رأس کمیسیون حقوق بشر و حقوق زن ولسی جرگه دختر خوانده و همکاری دوران قدرت برهان الدین ربانی قرار دارد، این سوال حل میگردد که چرا به این طرح اذ داخل پارلمان اعتراض نشده است و چرا به تقنین غرض پایان دادن به بیعدالتی ها و آلام زنان عطف توجه نشده است. سال گذشته رادیو BBC خبر داد که هیأت پارلمانی زنان تحت ریاست صدیقه بلخی به ایران رفته تا از بخش زنان پارلمان آنکشور در رابطه به حل مشکلات زنان بیاموزد. در شرایطیکه پارلمان آخوندی ایران فقط برای محکومیت بیشتر زنان قانون میسازد و شعبه زنان "سپاه انقلاب" نوع ایرانی امر بالمعروف را بالای زنان ایرانی تطبیق میکند، آموختن از پارلمان ایران جز جنون ایدیولوژیک ویا داشتن روابط "خاص" با حکومت آخوندی، علت دیگری داشته نمیتواند.

تفکر راجع به اینکه چرا پارلمان افغانستان در چنین وضعی قرار دارد ما را وادار میسازد تا سه سال به عقب رفته و چگونگی ایجاد پارلمان را بخاطر بیاوریم. حین تدوین توافقات بن به پروسه احیا سیستم دولتی افغانستان با کوهه بینی برخوردار شده بود و برنامه دولتی سازی مطروحه پیچیدگیهای افغانستان را نادیده گرفته و پروگرام عجولانه ایرا برای اعمار مجدد ارگانهای دولتی طرح نموده بود. با آنهم اگر این پروگرام بشکل قدم بقدم با صداقت و جدیت تطبیق میشد و بعبوض چوکات زمانی به تطبیق بنیادی هر مرحله توجه میگردد، افغانستان در موقعیت دشوار کنونی قرار نمیداشت. انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی زمانی صورت گرفت که هنوز پروسه خلع سلاح و ایجاد ارگانهای قوی امنیتی و دفاعی در نطفه قرار داشت. هر دو انتخابات در سایه تریاک و تنفگ صورت گرفت. افراد متهم به جنایات شنیع گذشته که لیست شان به صد ها نفر میرسد و اصولاً حق کاندید شدن نداشتند چون گلابزوی ها، علومی ها،



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

سیافها، ربانیا، و بدنامترین قومانیهای تنظیمی و طالبی اجازه یافتند بدون در نظر داشت اعمال گذشته شان خود را به عضویت پارلمان کاندید کنند. عقب نشینی های کرزی درین زمینه بحرانساز بوده و از حافظه تاریخ زدوده نخواهد شد. لیست کاندیدها مردم ما را از همان دوران به پارلمان بی باور و بی علاقه ساخت. آمارشتراک کنندگان نتوانست معیار حد اقل 50 فیصد دارندگان حق رای را تکمیل کند ولی نظارت کنندگان بین المللی مصلحتاً به این انتخابات (بحیث یک تمرین برای مردم افغانستان که بالای صد ها میلیون دالر مصرف شده بود) صحنه گذاشتند. موجودیت چهره های که با سوابق پاک و دست خالی به پارلمان راه یافتند چون ملالی جویا، شکریه بارکزی، رمضان بشردوست و غیره اگر تصادفی نباشد، بیانگر جرات سرشار خود شان و مؤکلین شان است که در زیر حاکمیت تفگ و تریاک خود را کاندید کردند و رای گرفتند.

در نتیجه میتوان گفت که دوره چهاردهم پارلمان افغانستان در بهترین حالت وسیله ایست برای اقتناع افکار عامه در برخی کشورهای خارجی که میکوشند سیستم سیاسی افغانستان را دموکراتیک جلوه بدهند و در عین حال عده ای از سران رژیمهای گذشته، قوماندانها و فعالین سیاسی تنظیمی را بخاطر خدمات گذشته شان در یکی از ارگانهای دولتی مصروف و راضی نگهدارند. بهمین جهت آنچه اکثریت اعضا پارلمان انجام میدهند یا در خدمت خودشان است و یا در خدمت کشورهای که با آن روابط پیدا و پنهان دارند. خانه ملت نیز همچون زمینهای دولتی توسط زورمندان تصاحب شده و نمایندگان مردم دران اقلیت بس کوچکی را تشکیل میدهند. این پارلمان به هیچصورت از ملت افغان نمایندگی کرده نمیتواند و قادر به برآورده ساختن انتظارات آن نمیباشد.

"کمیته حقوق بشر فارو"